

## نامه‌ها

بسمه تعالی

دانشمند ارجمند جناب آقای مصطفی درایتی، مدیر مسؤول آینه

پژوهش

با وصف آنکه سرنزد از بنده خدمتی  
خورشید التفات تو گرم عنایت است

از این رو سپاس فراوان دارم.

در باره مقاله سودمند «فنی فراموش شده از بلاغت عربی و فارسی»، نگارش فاضل گرامی آقای محسن ناجی نصرآبادی، مندرج در شماره چهارم از سال چهارم مجله گرانقدر آینه پژوهش (ص ۱۲-۲۰) ایشان را توجه می‌دهم به اُسس الاصول» یا «اصول بی نقطه» از میرزا جمال‌الدین محمد کرمانی، مذکور در الذریعه (ج ۲، ص ۵۷-۵۸).

ارادتمند

گلچین معانی

بعد التحریر:

شاید آگاهی یافته باشید که مخلص بر اثر سکنه مغزی زبانم از کار افتاده است و دستم چنانکه باید یاری نوشتن ندارد.

\*\*\*

مدیر محترم مجله گرانقدر آینه پژوهش

در یکی از شماره‌های سال ۷۱ مجله، مقاله‌ای از آقای دکتر مهدی محقق وجود داشت که در آن از دائرةالمعارف تاریخ پزشکی در ایران و اسلام سخن رفته و به چند تألیف از معاصرین، که می‌تواند در تدوین آن مورد استفاده قرار گیرد، اشاره شده بود. خواستم در مورد اخیر به کتاب «مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار» و مؤلف آن میرزا عبدالحسین خان فیلسوف بن حاج میرزا محمد حسن مجتهد نوزوی تبریزی اشاره‌ای کرده باشم.

فیلسوف‌الدوله از پزشکان میرز تبریز بوده و مدتی نیز مدیریت بیمارستانی را در قم به عهده داشته است. وی در سال ۱۳۶۰ هجری

قمری در مشهد مقدس درگذشت و در همانجا نیز مدفون است. مطرح الانظار... در سه جلد تألیف شده و جلد اول آن در تبریز چاپ سنگی شده و یکی از منابع مورد استفاده مرحوم مدرس در تألیف ریحانة الادب بوده است. امیدوارم این منبع مهم از نظر تدوین کنندگان دائرةالمعارف مزبور نیز دور نمانده باشد.

با احترام بهرام حق پرست

\*\*\*

ذیلی بر مقاله

خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران

در شماره ۲۰ سال چهارم مجله آینه پژوهش، پژوهشگر محترم جناب آقای علی ابوالحسنی، شرحی در مورد کتاب خط سوم در انقلاب مشروطیت، تألیف جناب آقای شکوری مرقوم فرموده بودند که منتظر بودم ایشان به دفاع از نوشته خود پردازند، ولی با وجود اینکه بیش از چهار ماه از انتشار مقاله مذکور می‌گذرد، از طرف ایشان اقدامی نشده است؛ لذا جهت روشن شدن اذهان خوانندگان محترم مجله به عرض نکاتی در دو مورد از نوشته‌های جناب ابوالحسنی مبادرت می‌نمایم:

الف) در دو مورد منابع مکتوب مرقوم فرموده‌اند: «... و همچنین متن کامل و سانسور نشده مقاله مرحوم محمدرضا روحانی در باب حجة الاسلام اشاره کرد.» اگر منظور ایشان از مقاله روحانی، مقاله مندرج در فرهنگنامه زنجان بوده باشد، مقاله مذکور مطلقاً سانسور نشده است. چه خود اینجناب شاهد عینی قضیه بوده‌ام که مرحوم روحانی مطالب را می‌نوشت و در چاپخانه ستاره زنجان، که در آن زمان در اول خیابان سعدی قرار داشت، حروفچینی و چاپ می‌شد، و درج نامه اینجناب در وسط مقاله مذکور خود شاهد این مطلب می‌باشد. و علت نگارش مقاله مذکور بعد از چاپ فرهنگنامه زنجان این بود که سرپرست چاپ فرهنگنامه بر خلاف میل مرحوم روحانی به مقام مرحوم آخوند ملا قربانعلی زنجانی جسارت نموده بود که روحانی

أشهد بالله جواب ایشان این عبارت کوتاه بود که: «مرحوم میرزا برای پیشبرد مقاصد در امر مشروطیت خیلی چیزها را جایز می دانستند.»

من نیز به نوبه خود مانند بسیاری از مشتاقان منتظم که جناب ابوالحسنی که مدتها قبل و زمانی که یادداشتهای خود را در مورد آخوند تسلیم مرحوم روحانی می نمودم که مورد استفاده قرار دهند، از ایشان شنیده بودم کتابی در مورد آخوند تألیف و تدوین می نمایند، هر چه زودتر موفق به انتشار کتاب خود شده و پرده از بسیاری از پندارها بردارند.

زنجان

یوسف محسن اردبیلی

\*\*\*

سر دبیر محترم مجله آینه پژوهش

مقاله «تأملی در ترجمه الحیة» (مندرج در شماره ۲۲ مجله آینه پژوهش)، تنها یا از معدود مقالاتی بود که در باب ترجمه متون دینی، بویژه ترجمه جوامع روایی، منتشر شده است. نویسنده محترم در مقاله یاد شده به سنجش ترجمه الحیة نیز پرداخته بود، که البته این بحث هم فتح بابی بود درباره یکی از ترجمه های موفق، از یکی از کتابهای روایی عصری و مورد مراجعه (الحیة). همان گونه که نویسنده خاطر نشان ساخته بود، ترجمه الحیة از ترجمه های «مطلوب و شسته رفته» است که ضمن «هاوفا» و «امین بودن»، «زیبا» و روان نیز هست. خرده گیریهایی هم که نویسنده بر چند فقره از ترجمه الحیة داشتند، ابتدا از ارزش آن نمی کاهد و احتمال که برخی از خرده گیریها هم درست نباشد.

مقصود از این تصدیق این بود که لازم است مترجمان متون دینی، بویژه جوامع روایی، ترجمه الحیة را مطمح نظر قرار دهند و با ملحوظ داشتن ویژگیها و برجستگیهای آن، ترجمه هایی وزین و جاندار از آثار دینی ارائه دهند.

در همین جا فرصت را مغتنم می شمارد و از استاد حکیمی - سلمه الله - تقاضا می شود که کتاب «گزارش درباره الحیة» را - که گزارشی است از مجلدات اقتصادی کتاب الحیة - اندکی بسط دهد و گزارشی از سراسر کتاب الحیة ارائه دهد. بدین صورت که در یک کتاب، ذیل عنوان «گزارشی درباره الحیة و راهنمای آن»، ضمن معرفی جلد به جلد الحیة و انگیزه فراهم کردن آن و تفاوت الحیة با دیگر جوامع روایی و مسائلی دیگر، فهرست همه جلد های الحیة در آن گنجانیده شود. این اثر می تواند دریچه ای برای ورود به کتاب الحیة باشد.

عبدالله بهشتی

از این موضوع بی اندازه ناراحت شده و هزار جلد از سه هزار جلد فرهنگنامه زنجان را که در چاپخانه پرچم در تهران صحافی شده بود، تحویل گرفته و در زنجان صفحات ۵۳ تا ۵۴ آن را در آورده و به جای آن ۲۴ صفحه چاپ و با صفحات مکرر در لای فرهنگنامه قرار داد. و این مطلب را در آخر ۵۸ ذیل غلطنامه با عبارت «بعثت سهوی که در نقل قسمتی از مطالب صفحات ۵۲ تا ۵۸ رخ داده بود...» به طور استتار و اشاره بیان داشته است. پس به طور قطع و یقین در موقع چاپ مطالب مربوط به حجة الاسلام در فرهنگنامه زنجان هیچگونه سانسوری، جز خود سانسور روحانی وجود نداشته است. ولی ممکن است روحانی بعد از چاپ مقاله مذکور در مقاله خود تجدید نظر کرده و اضافاتی به آن الحاق کرده باشند که جناب ابوالحسنی تصور فرموده اند مطالب مذکور در موقع چاپ اولیه وجود داشته و سانسور شده است!

نکته دیگر اینکه: تا آنجا که این جانب اطلاع دارم و مورد تأیید استاد بزرگوار و محقق دانشمند جناب آقای دکتر شیخ الاسلامی نیز می باشد، از مرحوم آقای شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجان، مقاله مبسوطی در مورد مرحوم آخوند ملا قربانعلی زنجانی دیده نشده است که جناب ابوالحسنی به آن اشاره فرموده اند.

ب) در قسمت هشتم در مورد اصالت خط تلگراف آخوند خراسانی تردید نموده اند. اظهار نظر می نمایند که نویسنده متن احتمالاً کس دیگری غیر از مرحوم نائینی باشد. به نظر می رسد که اجتهاد در مقابل نص می فرمایند زیرا داستان استخاره در مورد آخوند اجمالاً به وسیله راویان معتبری نقل شده که از آن جمله است مرحوم آیت الله العظمی مرحوم فتح الله نمازی شیخ الشریعة اصفهانی، و مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی و شیخ محمد حرز الدین مؤلف معارف الرجال، که اشاره ای گذرا به آن نموده است.

عامل استخاره راوی داستان مذکور بوده و صراحتاً نویسنده تلگراف را معرفی نموده و از اصل تلگراف عکسبرداری شده است. چنانچه جناب ابوالحسنی به حروف مفرده نظیر (ن، ت) در دو نامه مورد اشاره خود توجه می نمودند، متوجه تشابه آنها می شدند. چه اولاً تاریخ تحریر تلگراف با تاریخ تسلیم مندرج در کتاب تدوین الاقاویل تقریباً بیست سال فاصله زمانی دارد. ثانیاً نحوه تحریر دو نامه نیز یکسان نمی باشد که با همدیگر مقایسه شود.

در خاتمه عریض خود اشاره به این مطلب را نیز بی فایده نمی داند که روزی در محضر بقیة الماضین، مرحوم مبرور آقا سید کاظم عصار - رحمة الله علیه - صحبت از این مطلب به میان آمد و این بنده نسبت به اقدام مرحوم نائینی از ایشان سؤال نمودم که نظر جنابعالی چیست؟